



قانون داورى تجارى بين المللى

فصل اول - مقررات عمومى

ماده 1 - تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل می باشد:

الف - " داوری " عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.

ب - داوری بین المللى عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

ج - " موافقتنامه داوری " توافقى است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

د - " داور " اعم از داور واحد و یا هیات داوران است.

ه - منظور از " دادگاه " در این قانون یکی از دادگاههای تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

و - در هر موردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقى که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده 2 - قلمرو اجرا

1- داوری اختلافات در روابط تجارى بین المللى اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری، همکاریهای فنى، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.

2- کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند داوری اختلافات تجارى بین المللى خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده 3 - ابلاغ اوراق و اختاریه ها

در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقى صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:

الف - در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.

ب - داور می تواند راساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.

ج - متقاضی داوری می تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می شود که :

- 1 - وصول آن به مخاطب محرز باشد.
- 2 - مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.
- 3 - مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده 4 - شروع جریان داورى

- الف - داورى از زمانى شروع مى شود كه درخواست داورى براساس مفاد ماده (3) اين قانون به خوانده داورى ابلاغ شده باشد، مگر اينكه طرفين به نهوديگرى توافق کرده باشند.
- ب - جز در مواردى كه ترتيب ديگرى بين طرفين مقرر شده باشد، درخواست داورى بايد حاوى نكات ذيل باشد:
- 1 - درخواست ارجاع اختلاف به داورى.
 - 2 - نام و نشانى طرفين.
 - 3 - بيان ادعا و خواسته آن.
 - 4 - شرط داورى و يا موافقتنامه داورى.
- درخواست داورى ممكن است حاوى اطلاعاتى در مورد تعداد داوران و چگونگى انتخاب آنان به شرح مذکور درفصل سوم اين قانون و همچنين راجع به موافقتنامه ها، قراردادها و يا وقايعى كه موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده 5 - انصراف از حق ايراد

در صورتى كه هريك از طرفين باعلم به عدم رعايت مقررات غيرآمره اين قانون و يا شرايط قابل عدول موافقتنامه داورى، داورى را ادامه دهد و ايرادخود را فوراً و يا در مهلتى كه به اين منظور تعيين شده است، اقامه نكند، چنين تلقى خواهد شد كه از حق ايراد صرف نظر کرده است.

ماده 6 - مرجع نظارتى

- 1 - انجام وظائف مندرج در ماده (9)، بندهاى (3) و (4) ماده (11) بند (3) ماده (13) ، بند (1) ماده (14) ، بند (3) ماده (16) ، ماده (33) و ماده (35) به عهده دادگاه عمومى واقع در مركز استانى است كه مقر داورى در آن قرار دارد، و تازمانى كه مقر داورى مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومى تهران است.
- تصميمات دادگاه در اين موارد قطعى و غيرقابل اعتراض است.
- 2- در داورى هاى سازمانى انجام وظائف مندرج در بندهاى (2) و (3) ماده (11) بند (3) ماده (13) و بند (1) ماده (14) به عهده سازمان داورى مربوط است.

فصل دوم - موافقتنامه داورى

ماده 7 - شكل موافقتنامه داورى

موافقتنامه داورى بايد طى سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طى مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و طرف دیگر عملاً آنرا قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی كه متضمن شرط داورى باشد نیز به منزله موافقتنامه

مستقل داوری خواهد بود.

ماده 8 - موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی‌الاثرا یا غیر قابل اجرا می‌باشد. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رای داوری نخواهد بود.

ماده 9 - موافقتنامه داوری و قرار تامین یا دستور موقت هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (6) صدور قرار تامین و یا دستور موقت را درخواست نماید. فصل سوم - ترکیب هیات داوری

ماده 10 - تعداد داوران تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیات داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده 11 - تعیین داوران 1 - طرفهای اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (3) و (4) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

2 - در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد: الف - برای تعیین هیات داوری، هرطرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (30) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبولی وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (30) روز از تاریخ انتخاب درمورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (6) صورت خواهد گرفت.

ب - در داوری یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنابه تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (6) تعیین خواهد شد. 3 - هرگاه براساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام ننماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا حقوقی به وظیفه‌ای که دراین خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید، هرکدام از طرفین می‌تواند برای اتخاذتصمیم به مرجع موضوع ماده (6) مراجعه نماید مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد. 4- مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه برای تعیین " داور " مقرر

داشته‌اند رعایت نموده و استقلال و بی‌طرفی " داور " راملحوظ‌نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

5 - هرگاه در موافقتنامه دآوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی دآوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به عنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه دآوری ملغی‌الاثربود خواهد بود مگر آنکه طرفین به دآوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به نحوی دیگر توافق کرده باشند.

6- در مواردی که دآوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرفها به‌نحو دیگری توافق ننموده باشند هیات دآوری به‌ترتیب زیر تعیین خواهد شد:

الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین‌روش تعیین می‌شود. چنانچه خواهانها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هریک از طرفین (خواهانها یا خواندگان) بوسیله مرجع موضوع ماده (6) تعیین خواهد شد.

ب - تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده(6) تعیین می‌شود.

ج - هرگاه در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف دآوری، اختلاف باشد هیات دآوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (6) خواهد بود.

د - سایر موارد در داوریه‌های چندجانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریه‌های دو جانبه مقرر شده است.

ماده 12 - موارد جرح داور

1 - "داور" در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجداوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین " داور " از آنها مطلع شده، می‌تواند دآوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

2 - شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید. "داور" باید از موقع انتصاب به عنوان "داور" و در طول جریان دآوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده 13 - تشریفات جرح

1 - طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح "داور" توافق نمایند.

2 - در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح "داور" را دارد باید ظرف (15) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل "دآوری" یا اطلاع از هر گونه اوضاع و احوال مذکور در بند (1) ماده (13) دلایل جرح را طی لایحه‌ای به "داور" اعلام کند. "داور" در مورد جرح اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر اینکه "داور" مورد جرح از سمت خود کناره‌گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

3 - جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (1) و (2) این ماده به عمل آمده است اگر مورد

قبول قرار نگیرد، طرفی که "داور" را جرح کرده می‌تواند ظرف سی (30) روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (6) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است "داور" می‌تواند جریان داورى را ادامه داده و رای نیز صادر کند.

ماده 14 - قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

1 - اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تاخیر موجه نشود، مسوولیت وی خاتمه می‌یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می‌تواند از مرجع مذکور در ماده (6) درخواست کند که در مورد ختم ماموریت "داور" مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

2 - صرف کناره‌گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم ماموریت "داور"، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده 15 - تعیین داور جانشین

هرگاه ماموریت یک "داور" به موجب مواد (13) یا (14) یا به علت کناره‌گیری، یا به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو ماموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد "داور" جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داورى که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

فصل چهارم - صلاحیت "داور"

ماده 16 - اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

1 - "داور" می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى اتخاذ تصمیم کند. شرط داورى که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود، تصمیم "داور" در خصوص بطلان و ملغی‌الاثربودن قراردادى نفیسه به منزله عدم اعتبار شرط داورى مندرج در قرارداد نخواهد بود.

2 - ایراد به صلاحیت "داور" نباید موخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین "داور" و یا مشارکت در تعیین وی توسط هریک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج "داور" از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داورى باید به محض بروز آن عنوان شود "داور" می‌تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تاخیر را موجه تشخیص دهد.

3 - در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) "داور" باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج "داور" از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رای ماهوی به عمل آید. چنانچه "داور" به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هریک از طرفین می‌تواند ظرف سی (30) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (6) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است "داور" می‌تواند

به رسیدگی خود ادامه دهد و رای نیز صادر کند.

ماده 17 - اختیار "داور" برای صدور دستور موقت "داور" می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هرکدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند "داور" می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمینی مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد "داور" از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم - نحوه رسیدگی دآوری

ماده 18 - رفتار مساوی با طرفین رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارایه دلایل داده شود.

ماده 19 - تعیین قواعد رسیدگی

1 - طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی دآوری توافق نمایند.

2 - در صورت نبودن چنین توافقی "داور" با رعایت مقررات این قانون، دآوری را به نحو مقتضی اداره و تصدی می‌نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده "داور" است.

ماده 20 - محل دآوری

1 - دآوری در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق، محل دآوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط "داور" تعیین می‌شود.

2 - "داور" می‌تواند برای شور بین اعضا، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده 21 - زبان

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی دآوری توافق نمایند. در غیر این صورت "داور" زبان یا زبانهای مورد استفاده در دآوری را تعیین می‌کند. توافق طرفین یا تصمیم "داور" در این مورد شامل هرگونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات "داور" و صدور رای خواهد بود.

ماده 22 - درخواست و دفاعیه

1 - خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط "داور" تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می‌داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارایه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط "داور" تسلیم کند.

طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

2 - چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هریک از آنها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داورى اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه "داور" چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تاخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده 23 - جلسه استماع و رسیدگی

- 1 - تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارایه ادله و توضیحات بر عهده "داور" است لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزار نمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
- 2 - "داور" باید تشکیل هرگونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.
- 3 - کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به "داور" تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی با مدارکی که ممکن است، "داور" هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده 24 - قصور هرکدام از طرفین

- 1 - چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، "داور" قرار ابطال درخواست داورى را صادر خواهد کرد.
- 2 - در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند "داور" رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.
- 3 - اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارایه ادله مورد استناد خویش خودداری کند "داور" می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رای مبادرت کند.

ماده 25 - ارجاع امر به کارشناس

"داور" می‌تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که "داور" لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سوالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می‌توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده 26 - ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داورى برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است

وارد داورى شود، مشروط بر اينکه موافقتنامه و آيين داورى و "داور" را بپذيرد و ورودى مورد ايراد هيچ کدام از طرفين واقع نشود.
فصل ششم - ختم رسيدگى و صدور راي

ماده 27- قانون حاکم

- 1 - "داور" برحسب قواعد حقوقى که طرفين در مورد ماهيت اختلاف برگزيده اند، اتخاذ تصميم خواهد کرد. تعيين قانون يا سيستم حقوقى یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانين ماهوى آن کشور تلقى خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول اين حکم نخواهد بود، مگر اينکه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.
- 2 - در صورت عدم تعيين قانون حاکم از جانب طرفين "داور" براساس قانونى به ماهيت اختلاف رسيدگى خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخيص دهد.
- 3 - "داور" در صورتى که طرفين صريحا اجازه داده باشند، مى تواند براساس عدل و انصاف يا به صورت کدخدانسانه تصميم بگيرد.
- 4 - "داور" بايد در کليه موارد براساس شرايط قرارداد اتخاذ تصميم کند، و عرف بازرگانى موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده 28- سازش

چنانچه طرفين در جريان رسيدگى، اختلافات خود را از طريق سازش حل کنند، "داور" قرار سقوط دعوای داوری را صادر مى کند و چنانچه يکى از طرفين تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت راي داوری براساس شرايط مرضى الطرفين با رعايت مفاد ماده (30) صادر مى کند.

ماده 29- اخذ تصميم توسط گروه داوران

در داوريهائى که توسط بيش از یک داور صورت مى گيرد، هر تصميم هيات داوری بايد با اکثريت اعضاى هيات داوری اتخاذ شود، مگر اينکه طرفين به نحو ديگرى توافق کرده باشند.

ماده 30- شکل و محتوای راي

- 1 - راي بايد به صورت کتبى باشد و به امضای داور يا داوران برسد. در موردى که داور بيش از یک نفر باشد، امضای اکثريت کافى خواهد بود، مشروط بر اينکه علت عدم امضای ديگر اعضا ذکر شود.
- 2 - کليه دلايلى که راي برآنها مبتنى است، بايد در متن راي آورده شود، مگر اينکه طرفين توافق کرده باشند که دلايل راي ذکر نشود، يا راي براساس شرايط مرضى الطرفين به موجب ماده (28) صادر شده باشد.
- 3 - راي بايد حاوى تاريخ و محل داوری موضوع بند (1) ماده (20) باشد.
- 4 - پس از امضای راي، رونوشت آن بايد به هريک از طرفين ابلاغ شود.

ماده 31- ختم رسيدگى

رسيدگى داوری با صدور راي نهايى يا به موجب دستور "داور" در موارد زير خاتمه مى يابد:

- 1 - استرداد دعوا توسط خواهان مگر اينکه خوانده بدان اعتراض نمايد و "داور" براى

- وی منافع قانونی و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید.
- 2 - عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص "داور".
- 3 - توافق طرفین در ختم رسیدگی

ماده 32 - اصلاح ، تفسیر رای و رای تکمیلی

- 1 - "داور" می تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا راسا هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رای را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند. مهلت تقاضای طرفین سی (30) روز از تاریخ ابلاغ رای می باشد، و باید نسخه ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود. "داور" حداکثر ظرف سی (30) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که راسا متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (30) روز از تاریخ صدور رای، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.
- 2 - هر کدام از طرفین می تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (30) روز از تاریخ دریافت رای، از "داور" تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رای مسکوت مانده است رای تکمیلی صادر کند. "داور" چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (60) روز نسبت به صدور رای تکمیلی اقدام می کند. "داور" می تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.
- 3 - مقررات ماده (30) در مورد اصلاح، تفسیر و رای تکمیلی لازم الرعایه است.
- فصل هفتم - اعتراض به رای

ماده 33- درخواست ابطال رای

- 1 - رای داور در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (6) قابل ابطال است:
- الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.
- ب - موافقتنامه داور به موجب قانونی که طرفین برآن موافقتنامه حاکم دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.
- ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه های تعیین داور یا درخواست داور رعایت نشده باشد.
- د - درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارایه دلایل و مدارک خود نشده باشد.
- ه - "داور" خارج از حدود اختیارات خود رای داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داور قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رای که خارج از حدود اختیارات "داور" بوده، قابل ابطال است.
- و - ترکیب هیات داور یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داور نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داور، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.
- ز - رای داور مشتمل بر نظر موافق و موثر داور باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (6) پذیرفته شده است.
- ح - رای داور مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.
- ط - پس از صدور رای داور مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکثوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

2 - در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می‌تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رای داور را به عمل آورد، از "داور" تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

3 - درخواست ابطال رای موضوع بند (1) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رای داور اعم از رای تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (6) تقدیم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده 34 - بطلان رای

در موارد زیر رای "داور" اساساً باطل و غیرقابل اجراست:

1 - در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داور نباشد.

2 - در صورتی که مفاد رای مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.

3 - رای داور صادره در خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر "داور" حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم - اجرای رای

ماده 35 - اجرا

1 - به استثنای موارد مندرج در مواد (33) و (34) آرای داور که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (6) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

2 - در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده 6 این قانون درخواست ابطال رای داور را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رای، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تامین مناسب بسپارد.

فصل نهم - سایر مقررات

ماده 36- سایر مقررات

1 - داور اختلاف تجاری بین‌المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داور مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.

2 - این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داور ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت.

3- در صورتی که در معاهدات و توافقات فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوریه‌های موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

تاریخ تصویب 1376.6.26

تاریخ تأیید شورای نگهبان 1376.7.9

